

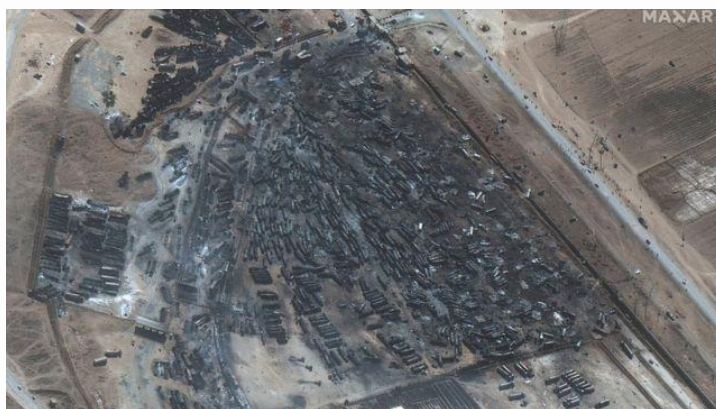


یکشنبه ۲۱ فبروری ۲۰۲۱

حمید انوری

## "مال مردم، دل بی رحم"

آتش سوزی اسلام قلعه در مرز(سرحد) ایران؛ 'هزار خودرو(وسیله نقلیه) و صدها میلیون دلار(دالر) نابود شده'



پنج روز پس از رویداد آتش سوزی در گمرگ اسلام قلعه هرات در مرز(سرحد) ایران، اتاق(اطاق) تجارت افغانستان می گوید خسارات ناشی از این رویداد به تاجران به مراتب بیشتر از آنچه که در اول گفته شده بوده، است.

صد ها میلیون دالر و هزاران وسیله نقلیه، فقط در نوشتن و گفتن ساده و آسان است، اما تصور کنید در یک کشور جنگ زده، به تاراج رفته و برباد داده شده که هشتاد و پنج فیصد مردم آن زیر خط فقر زندگی میکنند، چنین یک فاجعه ای، به کدام اندازه عظیم است و چگونه یک کشور در حال جنگ و قربانی تروریسم را می تواند از پا دراندازد.

نظر به گزارشات بعدی و چشم دید شاهدان حاضر در صحنه، حدود چهل(۴۰) نفر از هموطنان ما در این آتش سوزی بزرگ و فاجعه بار، جان های شیرین شانرا از دست داده اند. دولت افغانستان تاکنون در باره میزان خسارت وارد شده بر اثر این آتش سوزی آمار رسمی منتشر نکرده است. اما گفته است این رویداد را بررسی همه جانبه می کند.

دولت هیچگاه آمار رسمی و دقیق، ارائه نمی کند و بررسی های آنان نیز درست مانند هزاران هزار بررسی دیگر، به منزله در یخ نوشتن و در آفتاب گذاشتن است.

به گفته آقای الکوزی "نهادهای دولتی عامل این آتش سوزی هستند"، چون هیچ امکاناتی برای بازرگان(تجاران) افغان در گمرک فراهم نکرده بودند و حتی آزمایش کیفیت گاز را نیز در داخل خود خودروها(وسائل نقلیه) انجام می دادند.

او مدعی شد که در دولت ظرفیت وجود ندارد. مسئولیت آن نیز به حکومت و شخص رئیس جمهور افغانستان بر می گردد.

افغانستان در چنگال یک مشت مافیای زر و زور تزویر اسیر است و اکثریت قاطع مقامات پول ساز در دستان کثیف و خون آلوده همین آلوده دامن هاست.

گمرکات افغانستان هم در اثر همین سازش ها و داد و معامله های پیدا و پنهان، مادم العمر در گرو جنگ سالاران و زور آوران است، با در نظر داشت اینکه از پیاده گرفته تا مامور، از پولیس گرفته تا محافظ و از پادو گرفته تا رئیس، همه و بلااستثنا، خرید و فروش گردیده اند؛ پس به یقین که رئیس اطاق های تجارت افغانستان یک حقیقت تلخ را بیان داشته است.

آقای الکوزی گفت که خساره به بخش خصوصی در این آتش سوزی بیشتر از حد تصور است. در کنار آن دولت هیچ گونه سهولتی برای سرمایه گذاران فراهم نکرده و علاوه بر آن فساد و رشوه وجود دارد. به گفته او اگر چنین نیست؟ چرا یک پلیس برای بیشتر از ۲۰ سال در گمرک کار می کند و تبدیل نمی شود.

حال آقای الکوزی فقط یک گوشه این دامن آلوده را بالا کرده است، اگر بصورت کل این دامن ها بالا شوند، بگفته شاعر:

عجب صبری خدا دارد که پرده بر نمی دارد

وگر نه بر زمین افتد ز جیب محتسب، مینا

این مقام اتاق تجارت و سرمایه گذاری افغان مدعی است که بعد از شروع آتش سوزی مرزبانان(محافظان سرحدی) ایرانی اجازه دادند که خودروها(وسائل نقلیه) از محل انفجار به خاک ایران وارد شده و سالم باقی بمانند، ولی در طرف افغانستان پلیس به رانندگان اجازه نداد که خودروهای(وسائل نقلیه) خود را از محل حادثه بیرون کنند.

مقامات مسؤل ایرانی، آنچه مربوط به آنان می شد، با عجله به خاک ایران انتقال دادند و رفع مسؤلیت کردند، اما مقامات غیرمسؤل افغان در سرحد و در گمرک اسلام قلعه، وسائل و وسایط نقلیه را

اجازه ندادند تا منطقه را تخلیه کنند، چون در فکر و ذکر داد و معامله بودند تا کیسه های خود را پُر سازند و چنان بود که فاجعه اتفاق افتاد. سیاست "به مه چی"، همین است و واقعاً چه بجا گفته اند "مال مردم، دل بی رحم".

وسائل و وسائط نقلیه و تمام مواد سوختی به شمول نفت و گاز و... همه و همه طعمه حریق گردیدند. از کیسه دولت و ریاست گمرک اسلام قلعه، هیچ چیزی نرفت، فقط و فقط مردم عام، کارگران و حمالان بودند که در بین دود و آتش، خورد و خمیر شدند و تجاران که بزرگترین ضربه را خوردند و صد ها میلیون دالر شان دود شد و به هوا رفت. مردم عام هم تا فاصله های چندین کیلومتری، دود کثیف و آلوده را استنشاق کردند که عواقب فاجعه بار آن به مرور زمان خود را نشان خواهد داد. یونس قاضی زاده، رئیس اتاق تجارت و سرمایه گذاری هرات گفت که در پنج روز گذشته بیشتر از شش هیأت حکومت به اسلام قلعه رفته و همه را خسته ساخته است. به گفته او اگر حکومت می خواهد با فرستادن هیأت های متفرقه بخش خصوصی را خسته بسازد، "ماخسته نخواهیم شد." با یقین می توان گفت که در انتخاب شش هیئت نیز داد و معامله هائی صورت گرفته است و پول هائی تا و بالا شده است. شش هیئت را بخاطری باید فرستاد باشند، که پنج هیئت قبلی پول هائی به جیب کرده و برگشته اند. ( خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج) و این خشت کج را فرد معلوم الحالی به نام حامد کرزی گذاشته است.



شماری از خودروها(وسائل نقلیه) برای فرار از آتش وارد ایران شدند

آقای الکوزی نیز گفت که بخش خصوصی نیز خواهان جبران خساره است و از طرف دیگر باید دلیل وقوع این حادثه به طور دقیق بررسی و عامل آن مشخص شود.

آقای الکوزی گفت که خیلی از اموال برای ۲۰ روز در گمرک باقی مانده بود ولی در قانون گمرک آمده که اموال خطرناک شش ساعت بیشتر معطل نشود که گاز از جمله اموال خطرناک محسوب می شود.

چرا و به کدام دلیل یا دلایل، اموال "خطرناک"، خلاف قانون بیش از بیست (۲۰) روز در گمرک باقی مانده است؟!

یگانه دلیل آن فساد گسترده در گمرکات افغانستان است، محل تجمع پول و سرمایه و داد و گرفت و خورد و بُرد.

به گفته آقای الکوزی سایر گمرک ها نیز در وضعیت بدتر از اسلام قلعه قرار دارند. در حالیکه حکومت از مردم مالیات می گیرد ولی در گمرک ها سیستم وجود ندارد و رشوه از بخش خصوصی گرفته می شود.

از نظر این کمترین در اوضاع و احوال کنونی و فعلی افغانستان، نه تنها دستان پر قدرت و مفسد داخلی، بلکه دستان قدرتمند بیرونی نیز در کار است تا شرایط زندگی را هرچه سخت تر بسازند، شورش و ناآرامی ها را دامن زنند، اقوام شریف افغانستان را باهم درگیر جنگ کنند، امنیت را برهم بزنند و زمینه برگشت طالبان را آماده سازند تا منافع دراز مدت شانرا تأمین نمایند.

گلبدین راکتیار اخطار می دهد که تظاهرات وسیع را به راه می اندازد، ارگ کابل را محاصره می کند و رژیم را سقوط می دهد.

عبدالغنی علی پور مشهور به " قوماندان شمشیر"، از ملیشه های غیر مسؤل در میدان وردک دست به شورش و کشتار میزند و نیروهای امنیتی افغان را هدف قرار داده و مانع ورود آنان به منطقه می گردد و در نتیجه قوماندان امنیه میدان وردک از کار برکنار و به څارنوالی معرفی می شود.

در بلخ دریک حادثه کودک ربائی حساب شده، اوضاع امنیتی بلخ را مختل میکنند، تظاهرات و اعتراضات مردم، وضع نورمال شهر را برهم میزند، رئیس جمهور به مقامات آن والا اخطار میدهد، دست اندرکاران قضیه بیش و کم معطوف اند، اما آب از آب تکان نمی خورد؛ کودک همچنان در بند آدم ربایان بوده و شکنجه می شود، اما نیروهای امنیتی افغان در یافتن آن کودک بصورت مطلق ناکام می مانند و...، گفته می شود عطا محمد نور در این قضیه دست دارد و در صدد ایجاد شورش در منطقه است.

رشید دوستم در شیرغان داد و فریاد راه انداخته است و پسران خود را به جبهات خیالی و فرمایشی فرستاده است و...، این در حالیست که او هیچ مسئولیت قانونی ندارد و فرزندان وی نیز هیچ وظیفه نظامی ندارند و از سوی حکومت مرکزی نیز هیچ صلاحیت ای به آنان تفویض نگردیده است.

در یک نگاه گذرا دیده می شود که در کابل هیچ روزی نیست که یک، دو یا سه بمب مقناطیسی منفجر نشود، در هرات فاجعه اسلام قلعه را به راه انداختند و ملاهای مزدور را اجیر می کنند تا به آتش اغتشاش و شورش، پترول بریزند و در تازه ترین گزارش از هرات آمده است که "...روز گذشته، مجیب انصاری، امام مسجد محله گازرگاه هرات در خطبه نماز جمعه، حمایت از دولت و نیروهای امنیتی افغان را "گناه کبیره" خواند. او گفت "کسی که از این نظام با قلم خود، با پول خود، با فکر خود و با سلاح خود حمایت می کند، مرتکب گناه کبیره شده است". اینکه آیا داستان محمد اسمعیل در این قضایا دخیل است یا خیر، به خدا معلوم. هرچند مهمانی ها و جلسات آنچنانی جمعیتی ها و شورای نظاری ها در کابل، می تواند دلیل محکمی برای ایجاد اغتشاش ها و شورش ها باشد و از طرف دیگر نمایندگان این جمع نامتجانس در مذاکرات دوحه، سخن از حکومت مؤقت میزنند و در پس پرده با نمایندگان طلب مشغول داد و گرفت اند.

در قندهار و هلمند، تروریستان طالب بیداد می کنند، در مزار شریف آدم ربائی، ترور و ترس و تخویف یک وضعیت شکننده را بار آورده است، در شیرغان و فاریاب رشید دوستم هر شام و پگاه قدرت نمائی میکند، در میدان وردک علی پور ها مشغول ترور و کشتار اند، در غزنی و نواحی اطراف آن، طالبان و جنگ سالاران از مردم عام گوشت دم توپ ساخته اند و...

از قدرت های بیرونی نیز نباید غافل بود که تمام این اوضاع و احوال را حمایه مالی و نظامی میکنند و سخت در تلاش اند تا آب ها را گل آلوده کرده، ماهی مطلوب خود را صید نمایند.

پاکستان بر علاوه طالبان، گلبدین را نیز در کابل رهنمائی کرده و به او دستور میدهد و در ضمن با کرزی و عبدالله و کج کلاه داد و معامله های آنچنانی و پشت پرده دارد.

ایران نیز محقق و خلیلی را در جیب چپ خود دارد و سفیر جمهوری اسلامی ایران، هرازگاهی اکت دایه مهربان تر از مادر میکند. از یاد نبریم که هیئت طالبان توسط مقامات رسمی ایران، بصورت رسمی و بی سابقه در تهران پذیرائی گردیدند و دستورات مشخص دریافت داشتند.

امریکا با طالبان خود مشغول داد و معامله است و اوضاع افغانستان را طوری آماده می سازد که زمینه برگشت ساده و آسان آنان را به افغانستان برابر کند.

رو سیه را هم نباید هرگز از یاد برد که طعم تلخ شکست شرم آور ارتش سرخ خود را هرگز فراموش نکرده و نمی کند.

در این روز های پسین نماینده رو سیه در کابل، "ضمیر کابلوف"، جفنگ گوئی و چرند پراگنی را آغاز کرده و برای افغانستان نسخه شفا می نویسد. به روس های دیده در ا باید اکیداً تأکید نمود که ما را از شما تجاوزگران شرف باخته امید خیری نیست، شر مرسانید و نیش نزنید.

باید سخت هوشیار و بیدار بود که در شرایط کنونی، ماران افعی از چهار سو و شش جهت مشغول نیش زدن به تن بی رمق این کشور و این مردم خسته از جنگ و کشتار اند. اگر دیر بجنبیم، خیلی دیر خواهد بود! علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.

## من از عقرب نمیترسم ولی

از نیش میترسم

ندارم شکوه از بیگانگان از خویش میترسم

ندارم وحشتی از یوز و ببر و حمله ی شیران

از آن گرگی که میپوشد لباس میش میترسم